



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Juridical and Legal Foundations of Judicial Security in the Process of Ensuring Fair Criminal Proceedings

Mohammadbagher Basir¹, Mohammadbagher Amerinia^{*2}, Karam Janipour³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 533-545

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-7291-1386

TELL: +989173315661

Email: mohamadamerinia@gmail.com

Article history:

Received: 01 Oct 2022

Revised: 06 Nov 2022

Accepted: 18 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Judicial Security, Fair Trial, Jurisprudence.

ABSTRACT

Judicial security is the proper quality of the performance of the courts in applying legal executive guarantees in order to prevent citizens from violating their laws and obligations, and it is a process for dealing with a fair and just judicial system in which everyone has access to it and the rights and freedoms of citizens are properly secured. The purpose of the current research is to examine and explain the juridical and legal foundations of judicial security in the process of providing a fair trial, which has been addressed with a descriptive and analytical method. The question is, what are the most important jurisprudential and legal foundations of judicial security in ensuring a fair criminal trial process? The results show that fair trial and its related criteria are one of the indicators that increase the confidence factor and sense of security of citizens towards judicial and police authorities. Jurisprudentially and legally, judicial independence, impartial proceedings, compliance with civil and defense rights of the litigants, provision of witnesses and finally compliance with the principles governing the proof of litigation, guarantees judicial security and leads to fair proceedings and justice implementation.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Basir, M; Amerinia, M & Janipour, K (2023). "Juridical and Legal Foundations of Judicial Security in the Process of Ensuring Fair Criminal Proceedings". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 533-545.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

مبانی فقهی و حقوقی امنیت قضایی در فرایند تأمین دادرسی عادلانه کیفری

محمدباقر بصیر^۱، محمدباقر عامری نیا^{۲*}، کرم جانی پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

امنیت قضایی، کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به‌کارستن ضمانت‌های اجرایی قانونی است؛ به‌ترتیبی که شهروندان را پیش از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل بازدارد و فرایندی است برای رسیدگی به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه که در آن همگان به آن دسترسی داشته باشند و حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌صورت مناسب تأمین شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین مبانی فقهی و حقوقی امنیت قضایی در فرایند تأمین دادرسی عادلانه است که با روش توصیفی و تحلیلی بدان پرداخته شده است. سؤال مورد بررسی این است که مهم‌ترین مبانی فقهی و حقوقی امنیت قضایی در تأمین فرایند دادرسی عادلانه کیفری چیست؟ نتایج نشان می‌دهد دادرسی منصفانه و معیارهای مربوط به آن، یکی از این شاخص‌ها است که ضریب اطمینان و احساس امنیت شهروندان به مراجع قضایی و انتظامی را افزایش می‌دهد. از نظر فقهی و حقوقی، استقلال قضایی، دادرسی بی‌طرفانه، رعایت حقوق شهروندی و دفاعی طرفین دعوا، تأمین شهود و رعایت اصول حاکم بر ادله اثبات دعوا، ضامن امنیت قضایی بوده و منجر به دادرسی عادلانه و اجرای عدالت می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳۳-۵۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۱۳۸۶-۷۲۹۱-۷۲۹۱-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۷۳۳۱۵۶۶۱

ایمیل: mohamadamerinia@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

امنیت قضایی، دادرسی عادلانه، فقه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

توجه و هم‌چنانکه اشاره شد، در بند ۱۴ اصل سوم مورد تصویب قرار گرفت.

بنابراین و همان‌گونه که اشاره گردید، «امنیت قضایی عادلانه» به تصریح وارد متون قوانین مصوب در جمهوری اسلامی نشده است، لیکن در «سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» و همچنین اسنادی من جمله سند «امنیت قضایی» مصوب مهرماه ۱۳۹۹ مصوب ریاست وقت قوه قضاییه خارج از نظام قانونگذاری مورد توجه بوده است. بنابراین پژوهشی مسوط لازم است تا از یک‌سو تحلیل فقهی مقوله و گفتمان «امنیت قضایی» براساس مبانی فقهی احکام اسلامی و از سوی دیگر تحلیل حقوقی این مقوله در حقوق عرفی را در مورد بررسی قرار دهد. بی‌شک مفهوم امنیت قضایی به‌عنوان یکی از اجزای امنیت حقوقی دارای مؤلفه‌های متعدد و متکثری است که تأمین دادرسی عادلانه یکی از ارکان اساسی و غیرقابل انفکاک آن است. توجه به این حدیث از امیرالمومنین علی (ع): «الظلم جرم لایسی» و احادیث مشابه و توجه به این اصل مسلم که جوامع بشری همراه با خود انسان در مسیر تغییر و تبدیل قرار دارند و نیازهای فردی و اجتماعی انسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف یکسان نیست و علم فقه و حقوق هر دو خود را ملزم و پایبند به رفع نیازمندی فقهی و حقوقی بشر و نیازمندی‌های وی می‌دانند ضرورت تبیین و تحلیل مقوله امنیت در فقه قضایی و ارتباط و تأثیر متقابل با «دادرسی عادلانه» به‌طور عام و دادرسی کیفری به‌طور خاص را موجه و ضروری نشان می‌دهد و این پژوهش برپایه همین مبانی انجام می‌گیرد.

۱- امنیت قضایی

امنیت قضایی را می‌توان حاوی این مؤلفه‌ها دانست: کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به‌کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون به‌ترتیبی که شهروندان را پیش از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل بازدارد، اعتماد شهروندان به قوه قضاییه، احترام و التزام به قانون، تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون اطمینان به اینکه قاضی براساس قانون عمل می‌کند، عملکرد صحیح، به‌موقع و بدون تبعیض دستگاه قضایی برای رسیدن به اهداف تعریف‌شده و اطمینان عمومی

رعایت عدالت که یکی از مصادیق آن حفظ امنیت قضایی است، در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اگر بشر امروزی و حقوق‌دانان اروپایی پس از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل برائت و دیگر حقوق تضمین‌کننده متهم را مطرح کرده‌اند، دین مبین اسلام قرون متمادی است که این اصول را عرضه داشته و در فقه اسلامی آیات، احادیث و سیره ائمه اطهار (ع) گواه آن است که امنیت قضایی بسیار مورد توجه فقها قرار گرفته است. یکی از سازوکارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه‌های اساسی قضاوت به‌شمار آمده است. بخش عمده‌ای از نظام حقوقی ایران، مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی بوده، به‌همین علت، برای درک مفهوم امنیت حقوقی در نظام حقوقی ایران، شایسته است به این مفهوم در آموزه‌های اسلامی نیز توجه گردد. «مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری حیاتی است. از این‌رو ایجاد سیستم قضایی برپایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به‌دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی‌بودن، لازم است به دور از هرنوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.»

آن‌گونه که از شواهد تاریخی پیداست و متون موجود گواهی می‌دهند، در متون قانونی تا زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (آذرماه سال ۱۳۵۸) از جمله در متن قانون اساسی مشروطیت و متمم آن حداقل به تصریح صحتی از مقوله «امنیت قضایی» وجود ندارد، هم‌چنانکه همین تصریح در پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی که توسط حقوق‌دانان تهیه و به تصویب شورای انقلاب (خردادماه ۱۳۵۸) رسیده و مورد تأیید رهبری انقلاب اسلامی قرار گرفته است، وجود نداشته است، لیکن در متنی که در مجلس به‌عنوان متن نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (معروف به مجلس خبرگان قانون اساسی) مورد تصویب قرار گرفت، برای اولین بار به مقوله «امنیت قضایی عادلانه»

مردم ملموس نباشد و مردم از اجرای عدالت نسبت به خودشان در دستگاه قضایی بیمناک باشند. آشکار است که نبود امنیت قضایی، هم به صورت واقعی و هم روانی، بر امنیت ملی تأثیرگذار است، ولی راه مقابله با این تهدید امنیتی در هریک از این دو متفاوت است، بدین صورت که تهدیدزدایی در بُعد واقعی با اصلاح مدیریت‌ها و ساختارها صورت می‌گیرد و تهدیدزدایی در بُعد روانی با اصلاح و اقناع نگرش‌ها و دیدگاه‌ها (شمس، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

۲- رویکرد قانونگذار در امنیت قضایی و دادرسی عادلانه

گرچه امنیت قضایی شهروندان در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت تضمین شده است، اما به نظر می‌رسد که با تفسیر موصع واژه حقوق در اصل ۲۲، مبنای مکمل دقیق‌تری را نیز می‌توان برای آن یافت. از این روی تفسیر موسع امکان استنتاج حق‌های گوناگون شهروندان را در فرایند دادرسی در قالب امنیت قضایی فراهم می‌آورد. این حق‌ها به گونه‌ای تفصیلی در اصول ۳۴ و ۳۵ مورد تأکید قرار گرفته‌اند، هرچند حق دادخواهی مذکور در اصل ۳۴ که متضمن برخورداری از دادرسی منصفانه است، محتاج تفصیل بیشتری در قوانین عادی است، به علاوه، اصول قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (اصل ۳۶) و برائت (اصل ۳۷) تضمین‌هایی برای حفظ امنیت قضایی شهروندان هستند. بنابراین در اصل ۲۲ ارتباط وسیعی را میان امنیت حقوقی و امنیت قضایی شاهد هستیم و می‌توان اذعان داشت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۲ دو جنبه از امنیت انسانی، یعنی امنیت حقوقی و امنیت قضایی، را به‌زیبایی تضمین نموده است، حتی از ادبیات اصل ۲۲ و نیز اصل ۳۴ می‌توان دریافت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت حقوقی را به‌عنوان زمینه امنیت قضایی در نظر گرفته است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدن به اهداف قوه قضاییه به دو موضوع مهم اشاره شده است:

- ۱- لزوم وجود قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی؛
- ۲- دوری از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم. اصول ۱۱ و ۱۵۱ تا ۱۵۴ قانون اساسی اهداف و وظایف این قوه را بیان می‌دارد. از نظر فقهی و حقوقی، استقلال قضایی، دادرسی

نسبت به این عملکرد است. جامعه هدف در امنیت قضایی گاه عموم شهروندان هستند، بدین معنا که در صورت وجود یک‌سری شرایط و استانداردها که تمام جامعه در مقابل دستگاه قضایی احساس آرامش و امنیت نموده و این اطمینان خاطر برای آن‌ها به وجود می‌آید که در صورت تضییع حقی از آن‌ها مرجعی عادل، قاطع و بی‌طرف می‌تواند از حقوق آن‌ها صیانت کند. گاه نیز جامعه هدف، متهمان یا مجرمانی‌اند که مطمئن هستند در دستگاه قضایی به عدالت و انصاف با آن‌ها برخورد خواهد شد (شریعتمدار جزائری، ۱۳۷۹: ۶). امنیت قضایی یکی از «موضوعات» امنیت عمومی است، بدین معنا که در امنیت و نظم جامعه پیوند دارد، ولی از آنجا که امنیت جامعه حاصل جمع امنیت مجموع افراد است و از سوی دیگر، امنیت عمومی جامعه می‌تواند ارتباط تامی با امنیت ملی پیدا کند، امنیت قضایی هم با امنیت فردی پیوندی نزدیک دارد و هم ممکن است به یک موضوع امنیت ملی تبدیل شود و در سطح امنیت ملی به آن توجه شود. به بیان دیگر، با عنایت به دو طیف مختلف در تعریف از امنیت ملی که پیش‌ازین بیان شد، ناتوانی دولت‌ها در برقراری امنیت قضایی ممکن است به بروز تهدید علیه امنیت ملی منجر شود، به این صورت که چنانچه امنیت ملی را دارای موضوعات مشخصی نظیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... بدانیم، در این صورت، نبود امنیت قضایی به بروز ناامنی‌هایی در حوزه امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی منجر خواهد شد و چنانچه امنیت ملی را امنیت اساس حاکمیت بدانیم که از هر موضوعی امکان تهدید آن وجود دارد، در این صورت، ناکارآمدی دستگاه قضایی در تحقق امنیت قضایی به ناکارآمدی کل نظام سیاسی تعمیم یافته و به چالش کارآمدی و مشروعیت و در نتیجه، تهدیدی علیه امنیت ملی منجر خواهد شد (علینقی، ۱۳۷۹: ۵۷). نکته دیگری که در این میان حائز اهمیت می‌باشد، آن است که باید بین امنیت قضایی و امنیت قضایی روانی یا همان احساس امنیت قضایی واقعی تمایز قائل شد، بدین معنا که ممکن است براساس مؤلفه‌هایی که درباره امنیت قضایی بیان شد، در یک کشور «واقعاً» امنیت قضایی در حد مطلوب و قابل قبولی وجود داشته باشد، اما به دلیل القانات خارجی یا تبلیغات داخلی این واقعیت برای

بی‌طرفانه، رعایت حقوق شهروندی و دفاعی طرفین دعوا، تأمین شهود، رعایت اصول حاکم بر ادله اثبات دعوا، ضامن امنیت قضایی و منجر به دادرسی عادلانه و اجرای عدالت می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۶۱۹).

۳- مفاهیم و فرایند دادرسی عادلانه و منصفانه

به نظر می‌رسد که استانداردهای دادرسی چهره دیگری از همان اصول کلی حقوقی باشند که در تمام نظام‌های حقوقی مدرن پذیرفته شده و مبنای سنجش عادلانه بودن دادرسی‌ها می‌باشند. در واقع در نوشته‌های حقوقی به‌صراحت از استانداردهای دادرسی کمتر سخن به‌میان آمده است. در مفهوم استانداردهای دادرسی تعاریف متعددی وجود دارد، از جمله این تعریف که استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصولی از آیین دادرسی هستند که مفاهیم اصلی عدالت را در حل و فصل اختلافات تبیین می‌نمایند. برخی دیگر در این تعریف بیان می‌کنند که: «استانداردها را در مجموعه‌ای به نام اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مطرح می‌کنند و سه عنوان اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه با رعایت برابری اصحاب دعوا، اصول مربوط به نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی و اصل حق دفاع و اصل تناظر را برای بررسی این استانداردها در نظر می‌گیرند.» در تعریفی دیگر استانداردهای دادرسی، شامل اساسی‌ترین احکام حقوقی می‌باشند که بر تمام احکام جزئی‌تر حقوق حاکمند. برخی دیگر «اصل احترام به حقوق دفاعی» را یکی از همین اصول کلی حقوقی اعلام کرده‌اند. برخی از حقوق دانان اعتبار این استانداردها را ناشی از حقوق طبیعی می‌دانند و گروهی دیگر، اعتبار آن‌ها را در وجدان عمومی و عادات و رسوم اجتماعی و عقل و انصاف و سرانجام روح حقوق هر کشور می‌دانند. دادرسی عادلانه به معنی «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیتدار» به‌کار رفته است. همچنین مفهوم عادلانه به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» و «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است (بولانژ، ۱۳۸۱: ۶۴۲). در ادبیات قضایی و در لسان

حقوقی، دادرسی به معنای دارابودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به‌کار برده شده است. می‌توان گفت که دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (فضائلی، ۱۴۱۴: ۴۷). به‌طور کلی، عدالت در دو بعد خُرد و کلان و یا فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. در اسلام، «عدالت فردی» عبارت است از اینکه شخص، خود را به فرمان‌های خداوند و اخلاق، پایبند بدارد و به ارزش‌های اخلاقی، آراسته سازد و «عدالت اجتماعی» آن است که نسبت به دیگران به انصاف عمل کند و ستم روا ندارد. بدیهی است که عدالت اجتماعی، پیش‌زمینه‌هایی می‌خواهد که نخستین آن‌ها، اعمال عدالت فردی و پالایش نفسانی است تا از طریق این ممارست و تحول و ارتقای تدریجی شهروندان، عدالت در اجتماع تحقق یابد. چندین تعبیر متعدد از مفهوم عدالت در دست است که این به معنای تفکیک و یا تفاوت در آن‌ها نیست، به‌گونه‌ای که تمام این تعابیر می‌توانند بر مصداق واحدی صدق کنند. برخی از این تعابیر، عبارت‌اند از: ۱- عدالت قراردادن هر چیز در جای خودش» است. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «عدالت، کارها را بدان‌جا می‌نهد که باید»، باتوجه به موضوع مفهوم حاکمیت قانون، برابری همگان و تساوی آن‌ها در برابر قانون مطرح می‌شود. فضائلی بیان می‌کند که: «حکومت قانون به‌منظور محدودساختن قدرت دولت در برابر افراد، بر اهمیت قواعد صوری، شیوه‌های مورد توافق درخصوص تفسیر و آیین‌های دادرسی منصفانه در برابر قانون تأکید دارد» (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹). مطابق ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار باشند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به‌طور تساوی از حمایت قانون به‌رمند گردند.» همچنین ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد که: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی استحقاق حمایت بالسویه از قانون را دارند.» حمایت یکسان

میان طرفین معامله، برای رفع منازعه ارجاعی به قاضی یا داور مورد استفاده قرار می‌گیرد (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

۳-۱- ویژگی‌های اصول دادرسی عادلانه و منصفانه

باتوجه به تعاریفی که از استانداردهای دادرسی ارائه شد، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان ویژگی‌های استانداردهای دادرسی برشمرد:

۳-۱-۱- اصول دادرسی کلی هستند

منظور از کلی‌بودن یک اصل آن است که تعدادی موارد استعمال نامعین را دربر می‌گیرد. نتیجه کلی‌بودن استانداردهای دادرسی این است که رعایت آن‌ها محدود به نوع و شیوه‌های خاصی از دادرسی نبوده و در هر نوع رسیدگی و حتی رسیدگی‌های اداری و حسبی نیز باید اجرا شوند. بنابراین تنها آن دسته از مقررات دادرسی را می‌توان جزء استانداردهای دادرسی فرض نمود که در تمامی شیوه‌های دادرسی قابلیت اجرا داشته و پایبندی به آن‌ها ملاک سنجش عادلانه‌بودن هر نوع شیوه حل اختلاف باشد.

۳-۱-۲- اصول دادرسی دائمی و الزامی هستند

استانداردهای دادرسی مقید به زمان خاصی نبوده و تا زمانی که توسط اصلی جایگزین، منسوخ نگردیده است، دارای اعتبار بوده و قانونگذار در مقام وضع قانون و دادرسی در صدور حکم و تفسیر قانون نمی‌توانند آن را نادیده انگارند (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۴).

۳-۱-۳- اصول دادرسی ارزشی هستند

منظور از ارزشی‌بودن استانداردهای دادرسی این است که استانداردها مبتنی بر واقعیت‌هایی هستند که احتیاجات و اشتیاق‌های گوناگون انسان را برآورده می‌سازند. منابع این ارزش‌ها اموری مانند اخلاق، مذهب و عوامل طبیعی و نژادی یا اقتصادی و سیاسی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۸).

۳-۲- مبانی اسلامی دادرسی عادلانه

عدالت و برابری از پایه‌های اصلی دین مبین اسلام‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان مبنای برخورداری افراد از حقوق مربوط به دادرسی عادلانه دانست، در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

قانون و تسری یکسان قانون به کلیه اعضای جامعه صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و سیاسی آن‌ها، مبنای اصلی تساوی در برابر قانون است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۶۳). همچنین مطابق بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص مقرر داشته است که: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به‌کار برد.» همچنین اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی بر تضمین حمایت قانونی افراد به‌عنوان یکی از مصادیق دادرسی عادلانه تأکید کرده است (حسینی، ۱۳۹۳: ۷). در دادرسی منصفانه باید بیان داشت که حق برخورداری از دادرسی منصفانه، دربردارنده مجموعه‌هایی از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان پیش‌بینی گردیده است، این تضمینات که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۸ و ۱۱) و میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۵) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۸ و ۹) به‌عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده بشر، مورد اشاره واقع شده و محور و مبنای متحدالشکل نمودن آیین دادرسی در حوزه‌های مختلف قرار گرفته است (عظیمی‌گرگانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). در تعریف انصاف در دادرسی باید خاطر نشان کرد که انصاف مجموعه قواعدی است که در کنار قواعد اصلی حقوق وجود دارد و به استناد متکی‌بودن بر اصول عالی و برتر اخلاقی می‌تواند قواعد حقوقی را لغو کند یا تخصیص دهد (علی‌دوست، ۱۳۸۷: ۵۵). از دیدگاه دیگر انصاف و عدالت در اصطلاح حقوقی به‌معنای رعایت حقوق افراد و دادن حق به هر صاحب حقی است که در اینجا عدالت در این معنا با مساوات متفاوت است، زیرا مساوات به‌معنای برابری است، درحالی‌که رعایت عدالت و انصاف لزوماً برابری افراد بر بهره‌مندی از حقوق را به‌همراه نخواهد داشت. همچنین حقوق‌دانی دیگر انصاف را این‌گونه تعریف کرده است که: «انصاف در اصطلاح یکی از اصول کلی حقوق است که در صورت بروز اختلاف، از جمله اختلافات تجاری

۳-۲-۱- عدالت

عدالت یکی از پایه‌های اصلی اسلام است و باتوجه به دستورات اسلام با هیچ‌کس نباید برخلاف عدالت و انسانیت رفتار شود و نسبت به هیچ فردی نباید ظلم و تعدی کرد. همچنین قضاوت بین مردم باید براساس عدالت، حق، انصاف و وجدان باشد. این دستور شامل عدالت اجتماعی و حکومت و قضاوت و حکمیت و همچنین اصول مربوط به دادرسی است. تظلم‌خواهی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و رعایت عدالت و بی‌طرفی در قضاوت میان مردم لازم است (تابنده، ۱۳۸۸: ۷۷).

مفهوم عدالت در انواع دادرسی‌ها عینیت می‌یابد. در منابع دینی راجع به عدالت بسیار سخن رفته است. در آیات بسیاری واژه عدل به‌عنوان یکی از ارزش‌های اسلام، مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن چنین امر شده است که: «ان الله یامر بالعدل والاحسان؛ همانا خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد» (نحل/۹) و در جایی دیگر خداوند می‌فرماید: «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل؛ هرگاه بین مردم داوری کردید، به عدالت داوری کنید» (نساء/۵۸) در برخی دیگر از آیات، قسط به‌عنوان ارزش اسلامی و هدف بعثت انبیاء ذکر شده است. امام صادق (ع) در مورد مفهوم عدالت می‌فرماید: «اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند.» حضرت علی (ع) در مورد عدالت می‌فرماید: «به عدل و انصاف رفتار کنید، به مردم درباره خودتان حق دهید، پرحوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم تنگ حوصلگی نکنید که شما نمایندگان ملت و سفیران حکومتید.» جوادی آملی، عدالت را یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی می‌داند. عدالت مانند بسیاری از مفاهیم ارزشی دیگر برگرفته‌شده از جهان آفرینش است و بر نظام حقوقی و وضع قوانین در حوزه دادرسی سیطره دارد. شناسایی اصول دادرسی، ازجمله اصل برائت، تظلم‌خواهی، دسترسی به داور بی‌طرف و رعایت مساوات میان طرفین اختلاف، ازجمله اصولی است که عدالت وجود آن‌ها را اقتضا می‌کند. نجف‌آبادی دراین‌زمینه اظهار می‌کند که کلیه روابط اجتماعی، ازجمله وضع قوانین باید مبتنی بر عدالت باشد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۶۳).

۳-۲-۲- برابری

اجرای عدالت که هدف نهایی نهاد اسلامی است، مستلزم برخورد برابر قانون و دادگاه‌ها در مقابل اصحاب دعوی است. قاضی مجری عادل قانون باید نهایت بی‌طرفی و عدم جانبداری را در طول تحقیقات و دادرسی نسبت به طرفین دعوی و دفاع اعمال کند. چنانکه قرآن کریم فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها؛ ای مردم، از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید، بترسید انسان‌ها در ماهیت انسانی اشتراک دارند و این برابری در انسانیت و لوازم آن می‌باشد» (نساء/۱). همه انسان‌ها در ماهیت انسانی اشتراک دارند و این برابری در انسانیت و لوازم آن می‌باشد. همچنین میان انسان‌ها نباید هیچ تبعیض ناروا و ظالمانه‌ای وجود داشته باشد. اسلام رفتار ظالمانه و تبعیض‌آمیز به فراخور این رویکرد، میان زنان را به شدت نکوهش کرد. بنابراین انسان‌ها در مقابل قوانین برابر بوده و در شرایط برابر، از حقوق و تکالیف مشترک برخوردارند. همین برابری اقتضاء می‌کند انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، قومیت و مذهب امکان دستیابی به لوازم دادرسی عادلانه را داشته باشند. نمونه بارز این برابری، برابری افراد در مقابل قانون است و امتیاز انسان‌ها در سایه تقوی نزد خدا معنا می‌یابد (بلاغی، ۱۳۵۸: ۲۴۹).

۳-۳- اصول دادرسی عادلانه و منصفانه در آیین دادرسی کیفری

در قوانین عادی شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است (ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری). همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دربردارنده اصول متعدد دادرسی عادلانه است. همچنین بی‌طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری) اصل برائت و رعایت حریم خصوصی (ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری)، تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل (ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری)، احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی (ماده ۷ آیین دادرسی کیفری) ازجمله این اصول می‌باشد. مطابق ماده ۱ آیین دادرسی کیفری: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و

قبول کند. همچنین قاضی نباید مسائل مالی و موضوعات اینچنینی برای او وسوسه‌انگیز باشد. باتوجه به اینکه از لحاظ تئوری کسی نمی‌تواند قاضی را مجبور به دادن رأی کند (جنت‌مکان، ۱۳۹۶: ۱۲).

۳-۳-۲- اصل علنی بودن محاکمات

یکی دیگر از اصول دادرسی علنی بودن دادرسی کیفری است. براساس این قاعده دادگاه‌ها باید به‌طور علنی به اتهام وارد به متهم رسیدگی کنند. به‌موجب این خصوصیت، حضور و نظارت افراد در جریان برگزاری محاکمه آزاد است. رسانه‌های گروهی می‌توانند ضمن حضور در محاکمات به تهیه گزارش و خبر برای روشن شدن افکار عمومی مبادرت ورزند. علنی بودن محاکمات، نوعی نظارت مردمی برای ملاحظه کیفیت تحقق اجرای عدالت، احقاق حقوق متضرر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزه‌کاران است. منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است (میرمحمدصادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). خبرنگاران و رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد، منتشر نمایند (ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری). مطابق ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند.» همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

- ۱- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

۲- علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

۳-۳-۳- اصل برائت و رعایت حریم خصوصی

در آیین دادرسی کیفری، اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و درهرصورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای

قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء اجرای آراء تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود» (مصباح، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

در ادامه به بررسی اصول حکم بر دادرسی در حقوق کیفری می‌پردازیم. در این بخش به اقسام دادرسی عادلانه در آیین دادرسی کیفری می‌پردازیم.

۳-۳-۱- اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها

همانطور که قبلاً گفته شد، اجرای عدالت در دادرسی کیفری، مستلزم برخورد برابر قانون و دادگاه‌ها در مقابل اصحاب دعوی است، خصوصاً قاضی دادگاه به‌عنوان قاضی عادل باید نهایت بی‌طرفی و عدم جانبداری را در طول تحقیقات و دادرسی نسبت به طرفین دعوی و دفاع اعمال کند، به‌گونه‌ای که ناظران جلسات دادرسی هیچ‌گونه شائبه طرفداری قاضی را درخصوص یکی از اصحاب دعوی ملاحظه و مشاهده نکنند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۱: ۶). مطابق ماده ۳ آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی‌شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.» به گفته جنت‌مکان منظور از اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده، قضات بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی است. رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. در مقررات ایران کمتر به صراحت از بی‌طرفی در دادرسی سخن رفته است و باید بی‌طرفی را در قالب الفاظ و عناوین قوانین استنباط کرد. درخصوص مسأله استقلال قاضی دو مقوله استقلال قوه قضاییه و استقلال و بی‌طرفی شخص قاضی مطرح می‌شود. درخصوص استقلال قوه قضاییه در قانون اساسی به این موضوع به‌خوبی توجه شده و در دو اصل از قانون اساسی بر استقلال آن تأکید شده است. در مورد استقلال و بی‌طرفی قاضی نیز باید گفت که قاضی باید نسبت به طرفین دعوا بی‌طرف باشد و اگر کوچک‌ترین احتمال طرفداری در پرونده‌ای را می‌دهد، آن پرونده را نباید

اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند (ماده ۴ آیین دادرسی کیفری).

۳-۳-۴- تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل

متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود (ماده ۵ آیین دادرسی کیفری). تفهیم اتهام در اصطلاح عبارت است از: «اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که باتوجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد.» متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی به موجب ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود. همچنین سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است (تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). تبصره ۲ ماده ۱۹۰ نیز مقرر می‌دارد: «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند» و طبق تبصره ۳: «در مورد این ماده و نیز چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است.» در ادامه به ماده ۱۹۱ که تا حدودی محدودیت‌هایی را برای مطالعه پرونده از سوی وکیل ایجاد کرده است، مورد اشاره قرار می‌گیرد. مطابق این ماده: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و

تصمیم‌گیری کند.» در لزوم صدور قرار عدم دسترسی به پرونده که حتماً باید با ذکر دلیل باشد و همچنین امکان اعتراض به آن، جلوی بسیاری از اقدامات خودسرانه قضات را که چه‌بسا منجر به تضییع حقوق متهم می‌شود، می‌گیرد و به‌نحو کامل‌تری حقوق متهمین را تضمین می‌نماید، حتی قانونگذار مقرر داشته، در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون از سوی بازپرس، وکیل می‌تواند به وی تذکر دهد (تبصره ماده ۱۹۵). همه این تحولات در قانون جدید نشان‌دهنده توجه بیش از پیش قانونگذار به حقوق متهم و تلاش در جهت اتهامی‌شدن مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد. طبق ماده ۳۷۱ قانون: «قبل از ختم دادرسی، چنانچه شکای یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.» همچنین طبق ماده ۳۴۶: «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است» و طبق تبصره این ماده: «در غیرجرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هریک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند.» به موجب ماده ۳۴۷ این قانون: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان، از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می‌نماید... تبصره ۲: در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند. تبصره ۳: در مورد این ماده و نیز چنانچه، اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است.» علاوه‌براین، وفق ماده ۳۴۸ قانون مزبور: «در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون (جرائم مهم)، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه، متهم، خود وکیل معرفی نکند و یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی

و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه درج می‌شود (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). همچنین در تبصره ماده مذکور قید شده است که سلب حق تعیین وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می‌شود. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید توانسته گامی بلند در پیشبرد و ارتقای دادرسی عادلانه در نظام داخلی ایران محسوب گردد و خلأها و نواقص قبلی قوانین در این خصوص را مرتفع کند (ناجی زواره، ۱۳۸۵: ۶۶).

نتیجه‌گیری

توازن میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی مستلزم آن است که از یکسو حکومت برای اجرای حقوق کیفری پیگرد و مجازات مجرمان قدرت کافی داشته باشد. از سوی دیگر محدودیت‌هایی بر قدرت حاکمیت وارد شود تا مأموران حکومت نتوانند آزادی و حریم خصوصی و اموال مردم را تهدید کند. همان‌طور که اگر شهروندان کنترل نشوند، مرتکب جرم می‌گردند، مأموران حکومت نیز در صورت کنترل نشدن از قدرت خود سوءاستفاده خواهند کرد، لازمه این تعادل و توازن در رسیدگی‌های کیفری عادلانه بودن دادرسی کیفری است و در صورتی عدالت اجرا می‌گردد که از هر جهت تبعیض ناروا صورت نگیرد. بند چهاردهم اصل سوم قانون اساسی به‌طور تلویحی به اصل برابری همه در برابر محاکم و تصمیم‌گیری‌ها اشاره می‌کند: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم مردم در برابر قانون.» برقراری عدالت یکی از آرزوهای بشر در طول تاریخ بوده که تحقق آن در پرتو برگزاری دادرسی عادلانه مبتنی بر فراهم نمودن دادخواهی و دفاع ممکن خواهد شد. در حقوق کیفری امروزه گفته‌اند حفظ جامعه در قبال خطر بزه‌کاران با تعیین قوانین کیفری کمابیش شدید تأمین نخواهد شد، بلکه قوانینی که کشف سریع جرم و محکومیت قطعی بزه‌کار به مجازات را ممکن سازد، در تحقق این هدف مفید و مؤثر خواهد بود، آیین دادرسی کیفری باید طوری تدوین شود که با پیش‌بینی سازمان‌های قضایی مجهز و متشکل از متخصصین در رشته‌های مختلف اعم از حقوقی و کیفری و ... با تفکیک صلاحیت هریک و ایجاد امنیت تأمین‌ها و تضمین‌های

است و چنانچه، وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.» لازم به ذکر است طبق ماده ۳۵۰ این قانون: «در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون (جرائم موجب مجازات سلب حیات، جرائم موجب حبس ابد و جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع رسیدگی نیست» (آشوری، ۱۳۸۷: ۸۷).

۴- احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی

در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است» (ماده ۷ آیین دادرسی کیفری). پذیرش و تأکید بر اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تأکید بر اصول دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب می‌گردد. از ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری قدیم، وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی حق دخالت در امر تحقیق را ندارد و پس از خاتمه تحقیقات می‌تواند مطالبی را که برای کشف حقیقت و یا دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند به قاضی یا بازپرس اعلام نماید. همچنین حضور وکیل در دادسرا و دادگاه منوط به اجازه دادگاه شده بود، ولی به موجب قانون آیین دادرسی کیفری جدید متهم باید در اسرع وقت به تفصیل از موضوع و ادله انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند شود. همچنین متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد، این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۷). *حقوق مردم در نهج‌البلاغه، حقوق بشر از منظر اندیشمندان*. تهران: نشر انتشار.
- بلاغی، سیدصدرالدین (۱۳۵۸). *عدالت و قضاء در اسلام*. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بولاتز، ژان (۱۳۸۱). *فلسفه حقوق، منابع حقوق*. به نقل از ناصر کاتوزیان، جلد دوم، تهران: نشر انتشار.
- تابنده، سلطان حسین (۱۳۸۸). *اسلام و مواردی از اعلامیه حقوق بشر*. تهران: نشر انتشار.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۷). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه محمد رحمتی شهرضا، تهران: صبح پیروزی.
- جزائری فارسانی، سیدعباس (۱۳۹۴). *امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*. تهران: نشر سامان دانش.
- جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۶). *حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه*. تهران: انتشارات جنگل.

ضروری در جهت حفظ حقوق شهروندان در دادرسی و مدافعات طرفین اجرای عدالت کیفری را ممکن کند. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد قربانی نابود گردد، زیرا اگر عدالت اقتضا می‌کند بزه‌کار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است و امکان دفاع از خود را داشته باشد. قانون و قضا باید از افراد به‌گونه‌ای یکسان حمایت کنند و هیچ فردی در این زمینه نسبت به دیگری برتری ندارد، هرچند برابری در مقابل قانون معمولاً منصرف به برابری شهروندان با یکدیگر است، به نظر می‌رسد که این برابری را بتوان به برابری افراد با دولت حاکمیت یا جامعه نیز تسری داد. بی‌طرفی اگرچه یکی از عناصر شاکله برخورداری از تساوی در دادرسی می‌باشد، لیکن بی‌طرفی مقدم بر مساوات در رفتار است یکی از جنبه‌های انصاف رعایت بی‌طرفی هر شخص می‌باشد و این امر جزء حقوق فطری بشر است. حق داشتن وکیل، حق دسترسی به مراجع و محاکم صالح قضایی، حق علنی بودن دادرسی‌ها، حق القای بازداشت و توقیف خودسرانه، حق دادرسی عادلانه حقوق دفاعی متهم، ضابطان علمی و قانونمند که همگی دارای جنبه حقوق بشری و حقوق شهروندی هستند و از مصادیق حقوق قضایی محسوب می‌شوند، اگر به‌درستی اعمال شوند، می‌توانند موجبات ایجاد وضعیتی را به نام «امنیت قضایی» فراهم کنند و درواقع تضمین‌کننده عدالت قضایی و تأمین‌کننده سایر مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز خواهند بود. در این راستا، آنچه بیش از پیش اهمیت می‌یابد، عملکرد صحیح، قانونی و بدون تبعیض دستگاه قضایی کشور، در راستای دستیابی به این مهم خواهد بود، زیرا فقط در این صورت است که اطمینان خاطر شهروندان نسبت به عدم تضییع حقوق قانونی‌شان، به حد مطلوب می‌رسد. اگر اهداف نظام قضایی را در کشور، تأمین حقوق شهروندان و دفاع از آن بدانیم، امنیت قضایی زمانی حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، ضابطین، سازمان‌ها و فعالان موجود در بخش قضایی کشور، به‌طور صحیح، اصولی و بر مبنای قانون، تکالیف و وظایف محوله خویش را انجام دهند.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*. قم: انتشارات اسراء.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۰). *ظرفیت‌ها و چالش‌های سیاست جنایی ایران در ایجاد امنیت قضایی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حسینی، سیده‌لطیفه (۱۳۹۳). *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی «دادرسی عادلانه» بررسی مفهوم*. تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی.
- رستمی، ولی؛ آقایی طوق، مسلم و لطفی، حسن (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*. تهران: نشر گرایش.
- شریعتمدار جزائری، سیدنورالدین (۱۳۷۹). «امنیت در فقه سیاسی شیعه». *مجله علوم سیاسی*، ۳(۹): ۵-۳۱.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۳). *آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات دراک.
- صادقی، محسن (۱۳۸۴). *اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه*. تهران: انتشارات میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۱). *حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی*. تهران: انتشارات طرح نو.
- عظیمی گرگانی، هادی (۱۳۸۸). «مصلحت‌شناسی با رویکرد حکومتی». *مجله فقه و تاریخ تمدن*، ۵(۱۹): ۱۰۳-۱۲۱.
- علی‌دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۷). «مصلحت در فقه امامیه». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۵(۱۸): ۳۵-۵۸.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۹). «امنیت قضایی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۳(۱۰): ۵۰-۶۴.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: نشر انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). *فلسفه حقوق، منابع حقوق*. جلد دوم، تهران: نشر انتشار.
- گرجی ازندیانی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). *مبانی حقوق عمومی*. تهران: انتشارات جاودانه/ جنگل.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۵). «مالکیت در اسلام». *مجله تحقیقات اسلامی*، ۱: ۱۰-۲۸.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *مبانی حقوق اسلامی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- محمدی کشکولی، محمدرضا (۱۳۹۲). *امنیت قضایی شهروندان با تأکید بر نقش اصول و بی‌طرفی استقلال مراجع قضایی*. تهران: انتشارات مهر کلام.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۸). *معارف قرآن، انسان‌شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مؤذن‌زادگان، حسن علی (بی‌تا). «اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)». *فصلنامه مصباح*، ۹(۳۴): ۲۵-۴۰.
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، مؤسسه حقوق آمریکا (۱۳۸۷). *اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی*. ترجمه مجید پوراستاد، تهران: انتشارات شهر دانش.
- میرمحمدصادقی، حسین؛ آشوری، محمد؛ آخوندی، محمود؛ مؤذن‌زادگان، حسن علی؛ شاملو، باقر؛ اسلامی، رضا؛ محمدی، قاسم؛ طهماسبی، جواد؛ نیازپور، امیرحسین؛ رایجیان‌اصلی، مهرداد؛ تدین، عباس و کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۵). *اصول دادرسی از نظر تا عمل: درس گفتارها و درس نوشتارهایی از استادان حقوق جزایی ایران*. تهران: انتشارات خرسندی.
- میرموسوی، سیدعلی و حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱). *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*. چاپ یازدهم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۵). «بی‌طرفی در دادرسی کیفری». *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۶: ۲۹-۷۸.

- نوری طبرسی، میرزاحسین (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد دوازدهم، قم: انتشارات آل البیت.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- یآوری، اسدالله (۱۳۸۸). «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین». نشریه حقوق اساسی، ۱(۲): ۲۹۰-۲۵۳.

